

محضر اطلاع

تحلیل محتوای جلد هفتم یادداشت های علم

علاءعلی حدادعادل

- حداد عادل، غلامعلی، ۱۳۲۴-
مجلس اطلاع: (تحلیل محتوای جلد هفتم یادداشت‌های
علم)، غلامعلی حداد عادل.
تهران: موسسه فرهنگی هنری فرهنگ ایران و اسلام، ۱۳۹۳.
۲۲۷ ص،
۶-۰-۹۵۱۹۶-۶۰۰-۹۷۸-۸۰۰۰۰ ریان
فیبا.
کتاب حاضر نقدی بر جلد هفتم کتاب "یادداشت‌های علم"
تألیف امیر اسدالله علم است.
تحلیل محتوای جلد هفتم یادداشت‌های علم
علم، امیر اسدالله، ۱۳۹۸-۱۳۵۷، - خطرات
علم، امیر اسدالله، ۱۳۹۸-۱۳۵۷، یادداشت‌های علم -- نقد
و تفسیر
سیاستمداران ایرانی -- سرگذشتنامه
ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷
DSR ۱۴۸۷ع ۸۱۳ ۱۳۹۳
۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲
۳۷۴۵۷۶۷
سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
شابک:
وضعیت فهرست نویسی:
یادداشت:
عنوان دیگر:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
رده بندی کنگره:
رده بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:



عنوان: محضر اطلاع: تحلیل محتوای جلد هفتم یادداشت‌های علم
تألیف: غلامعلی حدادعادل

ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری فرهنگ ایران و اسلام (فراوا)

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۰۰۰

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه فرهنگی هنری فرهنگ ایران و اسلام (فراوا)

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه چاوگستر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۱۹۶-۰-۶

ISBN 978-600-95196-0-6

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان شهید کلاهدوز (دولت)، چهارراه قنات، خیابان آقامیری، خیابان چیلدری، کوچه زیارت‌طلب

تلفن: ۲۲۵۴۰۹۷۹

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۲	مقدمه
۲۹	طرح کلی مندرجات جلد هفتم
۳۳	۱. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا
۳۹	۲. جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷
۶۳	۳. آزادی و استبداد در دوران حکومت شاه
۹۸	۴. آلودگی های اخلاقی شاه و علم
۱۲۸	۵. ولخرجی و تجمل گرایی
۱۳۸	۶. نکته های پراکنده
۱۴۵	اما بعد...
۱۵۳	خاطرات عزّت شاهی
۱۶۷	پایی که جا ماند
۱۹۷	من زنده ام
۲۱۳	خاتمه

٢١٧

ماخذ

٢١٩

نمايه

www.ketab.ir

در دهه‌های اخیر، در پی پیروزی انقلاب اسلامی و انقراض رژیم سلطنت، تحوّل و تحرّکی در تاریخ‌نگاری در ایران روی داده است. هم بسیاری از انقلابیون و هم وابستگان حکومت پهلوی و دست‌اندرکاران و مدیران ارشد قبل از انقلاب برای تاریخ‌نگاری انگیزه پیدا کرده‌اند. دسته اوّل می‌خواسته‌اند با بیان معایب و مفاسد نظام شاهنشاهی به دفاع از انقلاب برخیزند و حقانیت انقلاب اسلامی را اثبات کنند و دسته دوم می‌خواسته‌اند با توضیح و تبیین اهداف و برنامه‌های خود از خود دفاع کنند.

میدان وسیعی که در این سال‌ها در عرصه تاریخ‌نگاری ایران گشوده شده «خاطره‌نگاری» است که هم خود نوعی «تاریخ» محسوب می‌شود و هم منابع تازه و اطلاعات دست اوّلی در اختیار دیگر تاریخ‌نگاران و تحلیل‌گران تاریخ قرار می‌دهد. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، انبوهی از کتاب‌ها و منابع صوتی و تصویری درباره دوران حکومت پهلوی تألیف و تولید شده که نظیر آن هرگز سابقه نداشته است.^۱ در میان این منابع، «یادداشت‌های علم» در دوران وزارت دربار وی به چند دلیل جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد. نخست

۱. در این باره بنگرید به مقاله «تاریخ / تاریخ‌نگاری: در دوره انقلاب اسلامی»، به قلم نگارنده درج شده در *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۶، ص ۱۵۶-۱۵۹.

از آن جهت که دوره‌ای طولانی و مهم را دربر می‌گیرد و تقریباً دوازده سال آخر حکومت شاه را، به استثنای حوادث سال ۵۷، شامل می‌شود. دلیل دیگر نزدیکی علم با شخص شاه و دسترسی و آگاهی او از بسیاری از واقعیات سیاسی داخلی و خارجی است. این یادداشت‌ها در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب نوشته شده و به هیچ وجه در معرض و مظان بعضی شک و تردیدها که ممکن است نسبت به بعضی خاطرات دیگر در برخی اذهان وجود داشته باشد نیست. یادداشت‌های علم به عنوان یک منبع غنی و کم‌نظیر و ممتاز و متمایز اهمیت دارد. اختناق دوران پهلوی عموماً امکان خاطره‌نویسی به رجال آن دوره را تا قبل از سرنگونی آن رژیم نمی‌داده و یادداشت‌های علم را می‌باید استثنایی بر این قاعده محسوب کرد. تنها مجموعه‌ای که صرفاً از این حیث شباهتی به یادداشت‌های علم دارد، یادداشت‌های مفصل دکتر قاسم غنی است که در بعضی مجلدات دربردارنده خاطرات سیاسی خود غنی و بعضی رجال سیاسی آن زمان نظیر عباسقلی گلشانیان است، هرچند یادداشت‌های غنی از حیث غنا و تنوع و ارزش سیاسی به هیچ وجه قابل مقایسه با یادداشت‌های علم نیست و به پای آن نمی‌رسد؛ اگر چه شخصیت دکتر غنی برخلاف علم شخصیتی قابل احترام و متین است.

علم خاطرات خود را به صورت محرمانه می‌نوشته و گفته شده که، همزمان، دفتر به دفتر، آنها را به بانکی در سوئیس می‌سپرده است. خود او می‌گوید:

«من این یادداشت‌ها را از ماه پنجم یا ششم وزارت دربارم

شروع کردم»^۱.

و می‌دانیم که علم در آبان ۱۳۴۵ وزیر دربار شده است. وصیت او این بوده که این یادداشت‌ها روزی چاپ شود که هیچ کس از خاندان پهلوی در

۱. علم، امیر اسدالله. یادداشت‌های علم. ویرایش علینقی علیخانی. تهران: کتابسرا، ۱۳۹۳، ج ۷، ص ۱۸۶.

ایران حاکم نباشد:

«به دخترم رودی که همه زندگی من در دست اوست و صیت می‌کنم که مبادا خدای نکرده این یادداشت‌ها را در موقعی که شاهنشاه و من یا یکی از ما زنده باشیم منتشر کند، یا خدای نکرده موقعی که کوچک‌ترین خطری برای رژیم در بر داشته باشد به هر صورت، بعد آنها را منتشر سازد. اگر خودش نتوانست، اولادش ان شاء الله این کار را بکنند.

ژنو - شانزدهم دی‌ماه ۱۳۴۶ مطابق ششم ژانویه ۱۹۶۸»^۱.

البته رژیم سلطنتی پهلوی کمتر از ده ماه پس از مرگ علم سرنگون شد و امکان انتشار آن یادداشت‌ها بسی زودتر از آنچه علم تصوّر می‌کرد فراهم آمد. یادداشت‌های علم ابتدا در خارج از کشور توسط خانواده و دوستان او به‌ویژه با نظارت و ویراستاری دکتر علی‌نقی عالیخانی، دوست صمیمی علم و وزیر اقتصاد و رجل سیاسی و اقتصادی مشهور همان سال‌ها، منتشر شده و ناشران ایرانی عیناً همان کتاب‌ها را در ایران به چاپ رسانده‌اند. حداکثر تفاوت چاپ ایران و خارج این است که به جای معلود عبارات و کلمات توهین‌آمیز نسبت به مقدّسات و روحانیت و مراجع، نقطه‌چین آمده است.

از یادداشت‌های علم تاکنون هفت مجلد به شرح زیر به چاپ رسیده است:^۲

- مجلد اول، یادداشت‌های علم از ۱۳۴۷/۱۱/۲۴ تا ۱۳۴۸/۱۲/۲۹
- مجلد دوم، یادداشت‌های علم از ۱۳۴۹/۱/۱ تا ۱۳۵۱/۱۲/۲۱
- مجلد سوم، یادداشت‌های علم در سال ۱۳۵۲
- مجلد چهارم، یادداشت‌های علم در سال ۱۳۵۳

۱. همان، ج ۷، ص ۱۸۶-۱۸۷.

۲. متن کامل این هفت جلد را انتشارات کتاب‌سرا منتشر کرده است که مجلّات یک تا شش به‌مرور از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۹۰ منتشر شده و چهار باز تجدید چاپ شده است. مجلد هفتم نیز در سال ۱۳۹۳ منتشر شد.

- مجلد پنجم، یادداشت‌های علم در سال ۱۳۵۴
- مجلد ششم، یادداشت‌های علم در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۵۶
- مجلد هفتم، یادداشت‌های علم در سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۴۷

آخرین مجلد، یعنی مجلد هفتم، از حیث ترتیب زمانی اولین دفتر خاطرات علم است که وقایع اول اردیبهشت ۱۳۴۶ تا بیست و یکم بهمن‌ماه ۱۳۴۷ را در خود دارد. به نظر می‌رسد با انتشار مجلد هفتم این مجموعه کامل شده است. در آغاز هر یک از مجلدات ششگانه قبلی، تحلیل و توضیح کارشناسانه‌ای به قلم دکتر عالیخانی درج شده که عمدتاً صبغه اقتصادی دارد و برای فهم روند حوادث همان سالی که بستر زمانی یادداشت‌های علم بوده سودمند است. جلد هفتم که به‌تازگی منتشر شده نیز مقدمه‌ای در هجده صفحه تحت عنوان یادداشت‌های توضیحی دارد که فاقد امضا و نام نویسنده است و مروری گذرا بر دوران سی و هفت‌ساله سلطنت شاه است بی‌آنکه تکیه و تأکیدی بر اقتصاد داشته باشد. یادداشت‌های علم نثری روان و ساده و مفهوم دارد. علم، که متولد ۱۲۹۸ و هم‌سن و سال شاه بوده، در شمار آخرین بقایای آن دسته از رجال دوران پهلوی است که در تربیت و تحصیل آنان، به اقتضای سنت آموزشی قاجاری، بر مهارت‌های ادبی و آنچه اصطلاحاً «خط و ربط» گفته می‌شده، تأکید می‌شده است. علم مخصوصاً با حافظ - با همان تفسیر خوشباشی و عیناشی خود از شعر او - انس داشته و گهگاه تکبیت‌هایی از حافظ و سعدی و بعضی شاعران دیگر را چاشنی خاطرات خود می‌کند. در جلد هفتم، دو گونه پانویست در کتاب دیده می‌شود، یکی پانویست‌های عالیخانی و دیگر توضیحات ویراستار ناشر (کتاب‌سرا) است که بعضی از آنها مفید و بعضی نیز زائد یا غلط است.

به عقیده راقم این سطور، یادداشت‌های علم، در طول بیست و چند سالی که از انتشار جلد اول آن گذشته، به نحو شایسته در ایران مورد توجه و تجزیه و تحلیل

قرار نگرفته و ارزیابی نشده است. این یادداشت‌ها ظرفیت و قابلیت بررسی‌های تاریخی و دانشگاهی بسیار دارد و می‌تواند موضوع انواع پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد در رشته‌های تاریخ و علوم سیاسی شود. در خارج از کشور نیز بعضی که موفق نشده‌اند با القاء شبهه دربارهٔ اصالت آن خواننده را به تردید افکنند، نتوانسته‌اند عصبانیت خود را از بعضی از مندرجات آن پنهان کنند!

در این کتاب، علاوه بر تحلیل محتوای جلد هفتم *یادداشت‌های علم*، به سه کتاب دیگر (*خاطرات عزت شاهی*، *پایی که جا ماند*، *من زنده‌ام*) نیز در بخش جداگانه‌ای تحت عنوان «اما بعد...» استناد کرده‌ایم. خواننده‌ای که بخش اول کتاب را خوانده باشد، می‌تواند با مطالعهٔ این بخش مقایسه‌ای میان ایران قبل از انقلاب و ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عمل آورد.

امید است این کتاب، که نخستین کتاب منتشرشدهٔ انتشارات «فراوا» (فرهنگ ایران و اسلام) است، در آشنایی جوانان امروز ایران با بخشی از واقعیت‌های تاریخ معاصر کشور سودمند و مؤثر باشد.

۱. امیراصلاح افشار، از صاحب‌منصبان باسابقه و وفادار رژیم پهلوی، که آخرین سمتش در دوران پهلوی ریاست تشریفات دربار و قبل از آن در دوره‌های نوزدهم و بیستم نمایندهٔ مجلس و سفیر ایران در کشورهای اتریش و آمریکا و مکزیک و آلمان بوده است، در کتاب *خاطرات دکتر امیراصلاح افشار* که حاصل گفت‌وگوی علی میرفطروس با اوست، دربارهٔ خاطرات علم چنین می‌گوید: «حالا می‌رسم سر خاطرات آقای علم. این خاطرات تا چه حد می‌تواند حقیقت داشته باشد؟! به‌خاطر اینکه خیلی جاها خط آقای علم هست، ولی آنجاهایی که مطالب زننده راجع به اعلی‌حضرت هست، چرا آنجا خط علم را نگذاشته‌اند؟! ویراستار، اگر اختلافی با شاه داشته باشد، می‌تواند بنویسد اعلی‌حضرت آنجا فلان کار ناشایست را انجام دادند. از این گذشته، من فکر می‌کنم برای آقای علم، که نورچشمی و سفارش‌شدهٔ انگلیسی‌ها و برکشیدهٔ اعلی‌حضرت بود و تا وزارت دربار هم رسیده بود، ننگ است که این جور مطالب سخیف را در کتابی بنویسد. علاوه بر این، چیزی که من از این خاطرات نمی‌فهمم این است که چرا آقای علم گفته است که این خاطرات را بعد از مرگ من و بعد از اینکه خانوادهٔ پهلوی دیگر وجود نداشت منتشر کنند؟! آقای علم از کجا می‌دانست که خانوادهٔ پهلوی ممکن است دیگر وجود نداشته باشد؟! پس حتماً از جایی اطلاع داشت که فشارهایی هست که این خانواده را منقرض بکنند. خانم علم شاید بیشتر به‌خاطر کینه و ناراحتی‌هایی که از شوهرش داشت این خاطرات را منتشر کرد تا چهرهٔ شوهرش بهتر شناخته شود. با این مقدمات است که برخی از نویسندگان (از جمله آقایان محمود طلوعی، روزنامه‌نگار پیش‌کسوت) در اعتبار این یادداشت‌ها تردید کرده‌اند!» (افشار، امیراصلاح، *خاطرات دکتر امیراصلاح افشار*...، در گفت‌وگو با علی میرفطروس، مونترال: نشر فرهنگ، ۲۰۱۲م، ص ۴۲۹-۴۳۰).